

پایه علمی



♦ مریم نوربخش ماسوله



# انتخابات ریاست جمهوری؛ رجال، زن یا مرد؟!

مورد توجه قرار گرفته است که کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض از زنان در همه کشورها به تصویب می‌رسد. اما این مساله در کشور ما باز هم از سوی بعضی از مراجع با اما و اگرها مواجه شده و در مجمع تشخیص مصلحت نظام مسکوت می‌ماند. اگر چه به دلیل حق تحفظ می‌شد آن را با معیارهای خود نگرست و مورد بررسی قرار داد. دکتر الهه کولایی یکی از نمایندگان مجلس ششم بر این باور است که: طرح تقاضای ریاست جمهوری زنان بیان تقاضای بر حق آنان برای استیفای حقوق قانونی است که در قانون نیز به آن اشاره شده است. در قانون اساسی دولت ملزم به رفع کلیه محدودیت‌های تبعیض آمیز علیه حضور و استفاده زنان از همه مزایا و فرصت‌های اجتماعی شده است. بیش از آن که مساله پیوستن به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) و تصویب آن از سوی دولت و مجلس اصلاحات مطرح شود، این ظرفیت در قانون اساسی ایجاد شده بود در حالی که متأسفانه برای عملیاتی کردن آن عزمی وجود نداشته است. در ۸ دوره گذشته هیچ یک از زنانی که به عنوان نامزد انتخاباتی ثبت نام کرده بودند، نتوانستند با احراز صلاحیت از سوی شورای نگهبان به این گزینش جمعی گام بگذارند و خود را مورد انتخاب مردم و جامعه قرار دهند. در آغاز

فقط به مردان اطلاق می‌شود و گروهی دیگر آن را اعم از زن و مرد می‌دانند. دکتر الهه کولایی استاد دانشگاه معتقد است: این که واژه رجل در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آیا انحصاراً ریاست جمهوری را به مردان نسبت می‌دهد یا این که صرفاً به افراد دارای تجربه سیاسی مربوط می‌شود، تفسیری است که کاملاً با نگرش‌ها و باورهای افراد نسبت به انسان‌ها و به ویژه زنان و هویت انسانی آنها ارتباط دارد. بدون تردید طرح این مساله فی نفسه جهت تصدیق این سمت توسط زنان ایرانی نیست بلکه بیانی است برای توجه و پذیرش حقوق انسانی زنان در جامعه کنونی ایران. این واقعیت انکارناپذیر است که حقوق مطرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جهت تحقق یافتن، نیازمند ایجاد ظرفیت‌های لازم اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و در این زمینه زنان دچار عقب ماندگی شدیدتری نسبت به مردان هستند، چرا که هنوز صلاحیت‌های انسانی آنها برای پذیرش نقش‌های متفاوت و متنوع اجتماعی مورد تردید جدی قرار دارد. این که در مورد ریاست جمهوری زنان صحبت می‌شود تنها تلاشی است برای توجه دادن به توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی آنان. طرح مساله زنان تا به آن جا در همه کشورها

روند دموکراسی خواهی و توسعه در ابعاد مختلفه نیازمند همکاری دوشادوش زنان و مردان در جامعه است تا به روش‌های گوناگون آزادی‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به دست آید و مورد بهره‌برداری افراد جامعه قرار گیرد. بنابراین توسعه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... تنها به یاری مردان میسر نخواهد بود: زیرا با وجود حجمی از زنان تحصیل کرده و دانش‌آموخته که می‌خواهند تخصص، علوم و آگاهی خود را به منصفه ظهور برسانند نمی‌توان به این انتظارات به جا و به حق پاسخی مثبت نداد. اینک زنان قادرند در پست‌های مدیریتی، اجرایی، وزارتی و یا حتی ریاست جمهوری توانایی‌های خود را به نمایش بگذارند. اما... مساله از همین جا آغاز می‌شود که در کشور ما بر خلاف بعضی از کشورها که زنان به عالی‌ترین مقام اجرایی (ریاست جمهوری) نیز دست یافته‌اند، با محدودیت‌هایی مواجه‌اند. در حالی که در قانون اساسی، در اصل ۱۱۵ می‌خوانیم که: رئیس جمهور از رجال مذهبی سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب می‌گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر، مدیر، دارای حسن سابقه، امانت، تقوا، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. ولی واژه رجال که در این اصل آمده به عقیده بعضی

نهمین دوره، بار دیگر نه تنها این بحث مطرح شده بلکه بعضی از زنان همانند اعظم طالقانی رییس موسسه اسلامی زنان خود وارد صحنه شده و جهت کاندیدا شدن اقدام کرده‌اند که متأسفانه صلاحیت تمامی آنها رد شد.

اعظم طالقانی نظام حکومتی ما را، از نظام حکومتی صدر اسلام و امروزه توأمان می‌شناسد و می‌گوید: «بدین معنی در این حکومت هم ولی امر وجود دارد، هم ریاست جمهوری و کابینه و هم تفکیک قوا پذیرفته شده است. اما در گذشته رییس جمهور در نظام حکومت اسلامی وجود نداشته که فقه ما آن را بررسی کرده باشد. با توجه به این مسأله، به نظر می‌رسد مجلس خبرگان در مورد ریاست جمهوری اجتهاد لازم و کافی نکرده است.

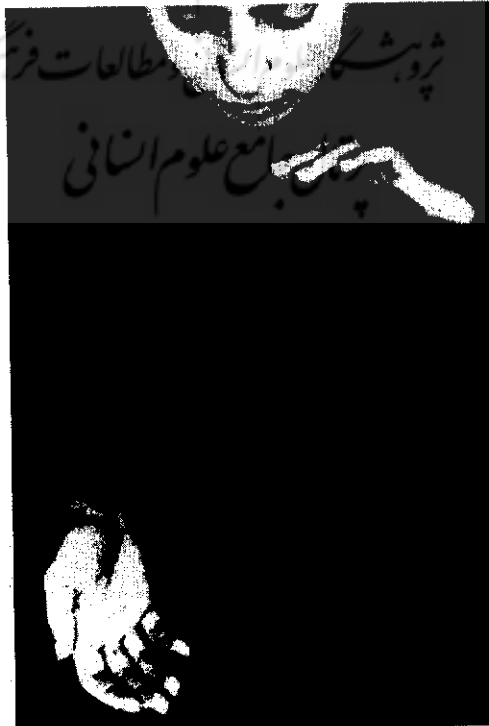
با آن که در اصل مربوط به ولایت فقیه، جنسیت مرد ذکر نگردیده اما در مورد احراز پست ریاست جمهوری عده‌ای در مجلس خبرگان بر مرد بودن رییس جمهوری اصرار داشته‌اند و با وجود بحث مخالف و موافق در ارتباط با آن، پس از رای گیری در جلسه صبح، تعیین جنسیت، رای نمی‌آورد. اما به دلیل اعتراض چند نفر از علما، در جلسه بعد از ظهر مجدداً با افزودن کلمه رجال بدون بحث مخالف و موافق رای گیری می‌شود که نتیجه آن اصل ۱۱۵ فعلی است. در همان هنگام بعضی از علما در پاسخ به تعبیر و تفسیر کلمه رجال که مورد پرسش قرار گرفته بود- از جمله شهید بهشتی اظهار داشتند که منظور از رجال، شخصیت‌های مذهبی و سیاسی است.»

محمدرضا باهنر نایب رییس اول مجلس هفتم نیز چندی پیش با بیان این که تفسیر واژه رجل در قانون انتخابات ریاست جمهوری نیاز به رای سه چهارم اعضای شورای نگهبان دارد، گفته بود: «رجل واژه‌ای ابهام انگیز در قانون است که هم معنای مرد دارد و هم به معنای شخصیت است و تفسیر آن مکانیزم بسیار سختی دارد. ممکن است شورای نگهبان در یک مرحله مواردی از یک قانون را مخالف اصل قانون اساسی بداند و در عین حال همان قانون را معیار قانون اساسی نداند ولی تفسیر اصول قانون اساسی چون نیازمند رای بالای اعضای شور است، کار بسیار دشواری است.»

اگر چه بعضی از فعالان سیاسی زن در

چارچوب راهبردهای محافظه کاران، در تلاش جهت حداکثر هماهنگی با دیدگاه‌های سنتی محافظه کارانه هستند و از نظر آنان حتی کاندیدا شدن زنان برای ورود به هیات رییسه مجلس ضرورت ندارد تا چه رسد به ریاست جمهوری! به همین علت زنان نماینده در مجلس هفتم بسیار انفعالی‌تر از مجلس ششم در جهت ورود به مباحث زنان، گام بر می‌دارند. اما دسته دیگر که زنان اصلاح طلب و خواهان تغییر در وضعیت زنان جامعه هستند، با پیگیری مسایل مربوط به حقوق سیاسی- اجتماعی زنان در صدد ادامه تلاش‌های پیشین خود را در چارچوب نهادهای غیر دولتی (NGOها) به ویژه تشکیلات و نهادهای سیاسی اجتماعی پی بگیرند.

دکتر علی نجفی توانا وکیل دادگستری اظهار می‌دارد: «قریب به اتفاق اسناد و مقررات بین المللی از جمله اعلامیه حقوق بشر، کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر و پیمان رفع هر گونه تبعیض علیه زنان نسبت به برابری زن و مرد، تاکید داشته و اعمال هر گونه تبعیض علیه زنان را ممنوع دانسته است. این در حالی است که در قانون اساسی ما نیز کرامت و ارزش والای انسانی در بند ۶ اصل دوم همچنین تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت عامه مردم در تامین آزادی‌های اجتماعی، اقتصادی



و زفق تبعیض، تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد، در بندهای ۷ و ۸ و ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون، یکسان بودن حقوق مرد و زن از هر قوم و قبیله، در اصول ۱۹ و ۲۰ قانون ایجاب می‌کند که زنان نیز از حقوق مساوی با مردان بهره‌مند باشند. به ویژه آن که چنین برخوردی می‌تواند موجب افزایش بازدهی و راندمان در سطوح مختلف شود.»

در حالی که همان گونه که اشاره شد قانون اساسی تفاوتی بین زن و مرد در بهره‌مندی از حقوق سیاسی اجتماعی و... قابل نشده است، اما یکی از عللی که در کشور ما تاکنون زنان نتوانسته‌اند به سطوح بالای مدیریتی و اجرایی دست یابند، عامل فرهنگی است. این مسأله از دید دکتر نجفی توانا به این شکل مورد توجه قرار می‌گیرد که: «متأسفانه در اصول و موازین حاکم بر فرهنگ پیشینیان به زن به عنوان بخشی از دارایی و اموال خانوادگی نگریسته می‌شد. به همین دلیل زنان در عرصه فعالیت‌های اجتماعی نقشی به عهده نمی‌گرفتند. در چند قرن اخیر زنان به تدریج در برخی فعالیت‌ها از جمله مبارزات سیاسی و یا فعالیت‌های علمی شرکت جسته‌اند. از پنجاه سال گذشته تاکنون در بعضی از کشورها آنها در سمت‌های اجرایی مانند ریاست جمهوری یا نخست‌وزیری حضور یافته‌اند.

البته موفقیت برخی از زنان در دستیابی به این مشاغل نوعی همخوانی با فرهنگ ملی و آداب و سنن آنان دارد. بنگلادش، هند، فیلیپین، انگلیس و کشورهای اروپایی که زنان در آنها وزیر، نخست‌وزیر، رییس جمهور یا پادشاه شده‌اند، از جمله کشورهایی هستند که می‌توان از آنها نام برد. این در حالی است که در کشور ما، با وجود آن که از ۵۰ سال گذشته، زنان از لحاظ قانونی حقوق قابل توجهی داشته‌اند، اما عملاً هیچ‌گاه مناصب اداری بالا را اشغال نکرده‌اند.»

وی در ادامه متذکر می‌شود: «بنابراین علت اصلی مشارکت ندادن زنان در جامعه‌ای که بخش عظیمی از مردم آن علاقه‌مند به حضور زنان در مدیریت بالا و اداره جامعه هستند، عمدتاً فرهنگی و در عین حال قانونی است. بدیهی است بخشی از جناح‌ها نیز به دلیل وابستگی به پارادایم‌های گذشته در حفظ این شرایط می‌کوشند.»

همان گونه که ذکر شد طی سه دهه گذشته مسایل زنان در جهان مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است. دکتر کولای کفرانس‌های زنان از ۱۹۷۵ در مکزیک تا ۱۹۸۵ در نایروبی و ۱۹۹۵ در یکن را نمونه‌هایی از کنفرانس‌های بررسی مسایل گوناگون زنان می‌داند و ابراز می‌دارد: کشورهای جهان فعالیت بسیاری را انجام داده‌اند تا در رقابت جهانی ارتقای بیشتر شرایط مادی و معنوی زنان، عملکرد بهتری داشته باشند. فرآیند پیوستن به کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان نیز برنامه‌های جهانی برای رفع نابرابری جنسیتی علیه زنان بوده است که بیش از ۱۴۰ کشور به آن پیوسته‌اند. هم‌چنین فرآیند گسترش حیرت‌انگیز ارتباطات جهانی که معنی فاصله‌های زمانی و مکانی را عمیقاً دگرگون کرده، دسترسی به تجارب جنبش جهانی زنان و دستاوردهای آنان را تسهیل کرده است.

اما... اگر چه وزیر کشور (موسوی لاری) نیز بر این نکته ادغان داشته که ریاست جمهوری جایگاه اختصاصی مردان نیست و سید محمد خاتمی رییس جمهوری نیز در سال‌های ابتدایی ریاست جمهوری خود اظهار داشته بود که مبنای توزیع مسوولیت‌های اجتماعی - سیاسی در یک نظام اسلامی شایستگی است نه جنسیت و افرادی را مورد خطاب قرار داده بود که صلاحیت زنان را به علت جنسیت نادیده می‌گیرند و در ادامه افزوده بود که به نظر من شایستگی زنان کشور ما بیش از موقعیت فعلی آنهاست، ولی بعضی از آقایان که در مسوولیت‌های مختلف از جمله شورای نگهبان و... هستند با این امر که زن نیز بتواند صلاحیت، شایستگی، لیاقت، توان مدیریتی و اجرایی خود را در پستی مانند ریاست جمهوری به خوبی نشان دهد، مخالفند و آن را بر نمی‌تابند.

سید محمد خاتمی تنها رییس جمهوری در کشور به شمار می‌رود که به این مساله که زنان پست‌های مدیریتی داشته باشند، صحنه گذاشت و دو تن از زنان را به سمت‌های ریاست محیط زیست و مشاورت خود برگزید. این رییس جمهوری اصلاح طلب معتقد است که انتخاب وزیر فرآیندی پیچیده و چند بعدی دارد و نهادهای مختلفی در آن نقش دارند و انتخاب تنها در اختیار رییس جمهور نیست ولی من شخصا

برای وزیر شدن زنان مانعی نمی‌بینم و تفاوتی در این باب میان مرد و زن وجود ندارد. در مورد رییس جمهور شدن زنان نیز معتقدم که در عالم نظر باید درهای گفت و گو باز باشد و کم نیستند صاحب نظرانی که رییس جمهوری شدن زن را روا می‌دانند ولی مفسر رسمی شورای محترم نگهبان است.

دکتر حسین بشیریه استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران، سابقه جنبش سیاسی زنان و اندیشه‌های مربوط به آن را به انقلاب فرانسه مربوط دانسته و یادآور می‌شود: "طی انقلاب فرانسه زنان به تشکیل باشگاه‌های انقلابی پرداختند. در سال ۱۷۹۲ نویسندگانی انگلیسی به نام ماری ولستو مکرافت با نوشتن رساله حمایت از حقوق زن توجه افکار عمومی به موقعیت سیاسی زنان را جلب کرد.

در سال ۱۸۶۹ جان استوارت میل فیلسوف سیاسی معروف انگلیس کتابی تحت عنوان "آسارت زنان" نوشت که مورد استقبال عمومی قرار گرفت او خود نخستین لایحه برای اعطای حق

**اعظم طالقانی: نظام حکومتی ما از نظام حکومتی صدر اسلام و امروری توأمان است و بدین معنی در این حکومت هم ولی امر وجود دارد هم ریاست جمهوری و هم کابینه، تفکیک قوا هم پذیرفته شده است با توجه به آن به نظر می‌رسد مجلس خبرگان در باره ریاست جمهوری اجتهاد لازم را به دست نیآورده باشد**



رای به زنان را به پارلمان انگلیس تقدیم کرد و در همان سال ها انجمن‌های سیاسی زنان در بسیاری از کشورهای اروپایی تشکیل گردید. در ایران پیشینه واکنش به وضعیت سیاسی زنان به اواخر قرن نوزدهم و به ویژه جنبش مشروطیت باز می‌گردد. فرهنگ مرد سالارانه جامعه سنتی ایران دیدگاهی تحقیرآمیز نسبت به زنان داشت و مجال فعالیت سیاسی برای آنان باقی نمی‌گذاشت. روشنفکران عصر مشروطه از وضعیت تحقیرآمیز زنان و سلطه مردان انتقاد می‌کردند. گفته می‌شود که زنان در برخی جنبش‌های اجتماعی ایران مانند جنبش‌های تحریم تنباکو و یا جنبش مشروطه نقش داشتند، لیکن باید گفت که چنین نقشی بیشتر تبعی بود و اغلب حمایت تحت گروه‌های اجتماعی دیگر مانند علما و روحانیون و یا روشنفکران صورت می‌گرفته نه آن که جنبش، خاص زنان باشد.

مهندس سید مهدی سیدزاده فعال و تحلیل‌گر سیاسی بشریت را از نظر تاریخ اجتماعی، به ترتیب به دو دوران زن سالاری (یا مادرشاهی) و مردسالاری (پدر شاهی) تقسیم می‌کند و می‌افزاید: اگر چه در قرون جدید با مطرح شدن نظریه برابری زن و مرد، دوران مردسالاری به پایان رسیده ولی آثار سنتی و به ویژه روانی آن دوران اعم از زن و مرد وجود دارد. این باور حتی در گفتار و رفتار مدعیان و معتقدان فمینیسم به روشنی قابل تشخیص است. به این معنا که مواضع فمینیست‌ها از یک سو بر اساس تولید طرفدارانه از جنس زن یعنی احقاق حق تساوی زن و مرد مبتنی است و از سوی دیگر در پی اثبات حقوق زن و مرد است. زیرا مدت زمانی به طول می‌انجامد تا زن و مرد باور کنند که نه به عنوان عنصر متفاوت که مکمل یکدیگر هستند و هیچ تفاوتی از نظر مدیریتی از جمله ریاست جمهوری ندارند. اگر روزی این اتفاق بیفتد مسلماً دستیابی به پست‌های یاد شده عملاً امکان‌پذیر خواهد شد.

وی که از فعالان دوم خرداد محسوب می‌شود، در باره شورای نگهبان و مواضعش این گونه ابراز می‌دارد: "عنوان کامل این نهاد، شورای نگهبان قانون اساسی است. بنابراین اگر مشخص شود قانون اساسی، معنی در این باره- تصدی

پست ریاست جمهوری توسط زنان - قابل نشده، اصولاً این شورا نیز مخالفی با این امر نمی‌تواند داشته باشد. حال اگر اعضای شورای نگهبان بر خلاف قانون اساسی با کاندیدا شدن زنان در انتخابات ریاست جمهوری موافق نباشند، اشکال به خود آقایان وارد خواهد بود.

از وی در مورد تغییر قانون اساسی پرسیده شد، سیدزاده در پاسخ می‌گوید: از آن جا که در قانون اساسی جمهوری اسلامی هیچ مخالفتی با کاندیدا شدن زنان در انتخابات ریاست جمهوری وجود ندارد. لذا واضح است نیازی به اصلاح قانون اساسی نیست. هنگامی که قانون منعی نگذاشته چه لزومی دارد که از تغییر قانون صحبت کنیم. اگر در کشور ما حکومت و دولت به این مساله معتقدند که باید بر اساس قانون و قانونگرایی، اداره امور را به دست گرفت و در جهت تحقق اهداف توسعه و پیشرفت جامعه گام برداشت، بنابراین باید نسبت به آنچه که در قانون آمده، همه خود را مکلف بدانند و بدان عمل کنند. در حالی که به گفته دکتر محمد سیف‌زاده عضو کانون مدافعان حقوق بشر، شورای نگهبان بر خلاف ضوابط تفسیر قانون، رجال را حمل بر مردان می‌کند که این نوع تفسیر به دلایلی که می‌گویم خلاف قانون است.

۱- مطابق با علم تفسیر نیست چرا که تفسیر مبانی خاص خود را دارد و هنگامی که ما می‌خواهیم تفسیر کنیم باید ضوابطی را رعایت نماییم. که رعایت نکردن این ضوابط - که متأسفانه پس از انقلاب بسیار دیده شده است - چارچوب تفسیر را دچار خدشه می‌سازد.

۲- اگر ما این نوع تفسیر شورای نگهبان را بپذیریم اصل ۱۱۵ با اصول ۱۹ و ۲۰ تعارض پیدا می‌کند. در اصل ۱۹ آمده است: "مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند، از حقوق مساوی برخوردارند." اگر از حقوق مساوی باید بهره‌مند شوند، چرا زن نمی‌تواند به پست ریاست جمهوری دست پیدا کند؟ بنابراین مساله اصل ۱۱۵ مطابق با تفسیر آنان یا اصل ۱۹ معارض شده است. اصل ۲۰ می‌گوید: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان و در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند." سیر قانون‌گذاری به این صورت نیست که در مواردی،

## اصل ۱۱۵ قانون اساسی: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند، انتخاب گردد: ایرانی الاصل، تابع ایران، مدیر، مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مومن و معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور

یک اصل، اصلی دیگر را نقض کند. قانون‌نویس باید جامع و کامل باشد و ابهام و اجمال نداشته باشد. در اصول دیگر قانون اساسی نیز از حقوق زنان سخن به میان آمده است: بند ۴ اصل سوم: "تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی آنان در برابر قانون".

سیدزاده خاطر نشان می‌سازد: "رئیس جمهوری در حقیقت وکیل و نماینده مردم است برای انجام سه وظیفه مشخص:

۱- ایجاد هماهنگی میان قوای سه گانه

۲- اجرای قانون اساسی

۳- ریاست قوه اجرائیه کشور

اما ایرادی که از طرف بعضی‌ها نسبت به ریاست جمهوری زنان مطرح می‌شود از جنبه فقهی است. به این معنی که در اسلام زن از دو مسوولیت حکومت و قضاوت معاف است. توجه شود که از حق حکومت و قضاوت محروم نشده‌اند بلکه از این دو مسوولیت معاف هستند. برخی با استناد به این موضوع می‌خواهند بگویند زنان حق ندارند رئیس جمهوری شوند. در این جا باید به آنان پاسخ داد همان گونه که در جلسات بررسی قانون اساسی ریاست جمهوری غیر از حکومت عنوان شده مصطلق حاکم در نظام اسلامی، مقام رهبری است که وظایف و اختیارات شان به طور صحیح در قانون اساسی درج شده است. اما رئیس جمهوری در صدر قوه اجرائیه است. بنابراین طبق آیات مختلف نسبت به واژه رجال در قرآن کریم می‌توان این گونه استنباط کرد که منظور از این کلمه زن و مرد

به طور توأمان است. زیرا در طول بیش از ۱۴ قرن هیچ فرد یا فقیهی کلمه رجال را در آیات قرآنی مختص و منحصر به مردان ندانسته است بلکه منظور در آنها همه انسان‌هاست اعم از زن و مرد. دکتر نجفی توانا نیز از مفهوم رجال این مصداق را بیان می‌کند که: اصولاً در برخی فرهنگ‌ها استفاده از کلمه مرد به خصوص در فارسی و فرانسه، اطلاق به نوع بشر دارد و هیچ خصوصیتی از تعیین جنسیت بر نمی‌آید. به خصوص آن که اندکی دقت به خود اصل بیانگر این معناست که شرایط مورد نظر تدوین کنندگان این اصل هیچ اشاره‌ای به مرد ندارد.

اعتقاد من این است که حضور زنان برای ریاست جمهوری بلامانع باشد و مخالفت برخی از افراد در نهادهای تصمیم‌گیرنده ناشی از تفکر و سلیقه شخصی آنان است که این تفکرات از لحاظ فقهی، علمی، حقوقی، سیاسی و حتی معیارهای مقبول در افکار عمومی قابل دفاع نیست. شاید عده‌ای به علت آن که کماکان زنان را خانه‌نشین می‌خواهند، اعتقاد بر حضورشان در صحنه‌های اجرایی و اداری کشور ندارند.

یکی دیگر از نگرش‌ها نسبت به امر ریاست جمهوری زنان از سوی حسن یوسفی اشکوری بیان شده است وی معتقد است: "روزگاری زن در شرایط ضعف عقلانی و محرومیت اجتماعی بود و به امید فقدان شرایط لازم برای بعضی مسوولیت‌ها از احراز آن منع شده بود. ولی چه دلیلی دارد که آن حکم را به عنوان یک حکم شرعی ابد مدت بپذیریم و بگوییم اسلام چنین و چنان گفته است. باید بدانیم که دنیای امروز کاملاً دگرگون شده است و صلاحیت افراد همچون دانش و توانمندی اجرایی، عدالت و حسن شهرت باید ملاک باشد." سوال این است که آیا به زودی شاهد تحولی در نگرش و نحوه برداشت مسوولان ذی‌ربط از مفهوم رجال خواهیم بود؟ به این دلیل که زنان قادرند در پست‌های اجرایی و مدیریتی و ریاست جمهوری این توانمندی خود را به نمایش بگذارند.

چرا صحنه سیاست به این قشر که نیمی از جمعیت کشورند واگذار نمی‌شود؟

\*\*\*

### منابع:

۴ ماهنامه پیام هاجر - سال هفدهم - شماره ۲۲۷ بهار ۷۶  
- روزنامه‌های شرق، ایران، قدس.